

تحلیل محتوای کتابهای راهنمای معلم درس هنر مقطع ابتدایی از منظر گرایشهای فرهنگی و سبکهای یادگیری

طیبه رضاییان کوچی، الهه رضائی

^۱دانشگاه پیام نور خرامه، taebahrza@chmail.ir

^۲دانشگاه پیام نور کرمانشاه، rezaei10@yahoo.com

چکیده:

تحقیق حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب راهنمای معلم درس هنر در دوره ابتدایی انجام گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر ۲ جلد کتاب راهنمای معلم دوره ابتدایی می باشد. حجم جامعه به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیده و تمام فصول این کتابها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-پیمایشی از نوع کاربردی می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات فرم تحلیل محتوای محقق ساخته با توجه گرایشهای فرهنگی و سبکهای یادگیری است. داده ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، درصد تراکمی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که در هیچ یک از کتابهای راهنمای معلم و ضمیمه ها در درس هنر، تعادل مناسبی در توزیع فعالیت ها برای سبک های مختلف یادگیری وجود ندارد و متأسفانه در تعدادی از فعالیتها، بعضی از این عناصر کاملاً نادیده گرفته شده اند و همچنین فعالیت در خصوص گرایش های فرهنگی در تمام فصل های کتاب گنجانده نشده بود و به این مهم کمتر توجه شده است. و بایستی در تالیف کتب جدید در این موارد تمهیداتی اندیشیده شود.

واژه های کلیدی: تحلیل محتوا، کتاب راهنمای هنر، گرایشهای فرهنگی، سبکهای یادگیری

مقدمه

بی شک هنر این ابر پدیده بشری که وامدار بخش بزرگی از مواهب الهی بوده در ساحت های گوناگون تمدن انسانی حضوری قابل توجه و تامل برانگیز داشته است. گاهی در ساحت تفریح و تفنن؛ گاهی در رسالت یک رسانه فرهنگی اجتماعی و گاهی در قلمرو یک شیوه درمانی و ... طی طریق نموده است. تا جایی که اگر این ساحتها و کار ویژه ها را برداریم گویی از پازل زندگی تکه های مهمی گم شده است. هنر یکی از مقوله های جدی فرهنگی هر جامعه ای است و دانشمندان آن را عالی ترین شکل فعالیت معنوی انسان دانسته اند [1] طبیعی است که وقتی این فعالیت معنوی انسان امکان رشد بیابد در غنا بخشیدن به فرهنگ اجتماعی کاربردی عظیم خواهد داشت. از سوی دیگر، هنر در رشد، بالندگی و شکوفایی انسان، در

درک و شناخت جهان پیرامون در راه یابی به ژرفای درون آدم ها، در آشنایی با آداب و رسوم و فرهنگ و اعتقادات اقوام گوناگون جهان، در ایجاد فضای تفاهم و همبستگی میان ملل، در تبادل اطلاعات و غیره یازگیری است شایسته و بایسته [2]. هنر در ایجاد و پایه ریزی سنت های فرهنگی حائز اهمیت است و کودکانی که تجارب خلاقه ای هنری دارند، آن را بهتر درک می کنند و برای آن ارزش بیشتری قائل هستند [3].

زبان هنر اساسی و مؤثرترین روش برای توسعه فعالیت های امور تربیتی می باشد. ضروریست همه ی مربیان تربیتی و معلمان و دانش آموزان کارگاه های عملی دروس هنر را با موفقیت به پایان برسانند تا به درک هنری و ارتباط تصویری دست یابند و هم چنین یادگیری الفبای زبان هنر و ادراک هنری لازمه ی توسعه ی هر فعالیتی بوسیله زبان هنر، می باشند. با تجربه مکاتب مختلف فرهنگی، هنری، علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و با داغ شدن بحث های زیبایی شناختی، فردگرایی، خردگرایی، مفهوم مدرن و مدرنیته، فرم و محتوی و جنبش های آوانگار در ابعاد گوناگونش، موضوعات متنوع-ترگشته و هر روز شکل جدیدی از هنری پدیدار می شود که به نوعی در زندگی افراد حضور یافته و شکل دهنده ادراک معاصر می گردد [4].

آموزش هنر در برنامه درسی ملی نیز انعکاس خوبی داشته آنچنان که در بند « ۳/۶/۴- حوزه یادگیری فرهنگ و هنر» اهداف و روش های آموزش هنر برای دانش آموزان آمده است: فرهنگ مهم ترین و غنی ترین منبع دستیابی به هویت است و از طریق جهت دادن به شیوه زندگی امکان هویت یابی را به صورت فردی و جمعی فراهم می کند. فرهنگ شامل: باورها و ارزش ها، تاریخ گذشته، مفاخر ملی، آداب و سنت ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است. حوزه یادگیری فرهنگ و هنر ناظر به درک معنا و روابط میان پدیده ها (آیه بینی و آیه خوانی)، زیبایی شناسی و قدرشناسی نسبت به نشانه های جمال الهی و زیبایی ها در پیشینه فرهنگی جامعه (نمادها، آداب و رسوم، ارزش ها، اسوه ها و اسطوره ها) و حفظ و تعالی آن است. در این برنامه تأکید شده است که «هنر به عنوان تجلی باورهای جامعه از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات است و می تواند